



سیاسی

سید فرید حاج سید جوادی

تجلی مردم سالاری دینی

در بسیاری از معضلات فکری، اخلاقی، مذهبی و حتی مرافعات حقوقی نافذ الرأی هستند و جمع کثیری از ملت ایران به برکت این بزرگواران معارف دینی و احکام شرعی خود را فرامی گیرند. از این رو انتخاب این جماعت از نخبگان علمی، از احترام و مقبولیت والایی نزد قاطبه ملت متدین ایران برخوردار است. حضرت امام خمینی علیه السلام بنیانگذار نظام اسلامی، بارها بر اهمیت این نهاد تأکید کرده‌اند، تا آنجا که سرنوشت اسلام را در گرو اقدام این مجلس بر شمرده‌اند:

«اکنون شما ای فقهای شورای خبرگان و ای برگزیدگان ملت ستم‌دیده در طول تاریخ شاهنشاهی و ستمشاهی، مسئولیتی را قبول فرمودید که در رأس همه مسئولیت‌هاست؛ و آغاز به کاری کردید که سرنوشت اسلام و ملت رنج‌دیده و شهید‌داده و

مجلس خبرگان رهبری، مظهر اراده ملت در تعیین سرنوشت‌شان است که در بالاترین سطح نظام جمهوری اسلامی ابراز می‌شود. این نهاد اگرچه در مسائل جاری کشور نقش آفرینی نمی‌کند، اما اهمیت تصمیم‌گیری آن در بزنگاه‌ها چنان است که مصالح درازمدت کشور، بیش از همه از انتخاب سرنوشت‌ساز خبرگان رهبری تأثیر می‌پذیرد.

برخلاف نظام سیاسی بسیاری از کشورهای دنیا، این نهاد خارج از چارچوب منازعات و جدال‌های حزبی و بر پایه اعتماد ملی و باور مذهبی مردم ایران شکل می‌گیرد و یکی از امتیازهای ویژه نظام مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود. نمایندگان این مجلس که از میان مجتهدین و علمای طراز اول کشور انتخاب می‌شوند، هر یک در نزد مردم از چنان جایگاهی برخوردارند که

داغ دیده در گرو آن است. تاریخ و نسل های آینده درباره شما قضاوت خواهند کرد، و اولیای بزرگ خدا ناظر آرا و اعمال شما می باشند؛ «والله من ورائهم محیط». کوچکترین سهل انگاری و مسامحه و کوچکترین اعمال نظرهای شخصی و خدای نخواسته تبعیت از هواهای نفسانی که ممکن است این

عمل شریف الهی را به انحراف کشاند، بزرگترین فاجعه تاریخ را به وجود خواهد آورد. اگر اسلام عزیز و جمهوری اسلامی نوپا به انحراف کشیده شود و سبلی بخورد و به شکست منتهی شود، خدای نخواسته اسلام برای قرن ها به طاق نسیان سپرده می شود، و به جای آن اسلام شاهنشاهی و ملوکی جایگزین خواهد شد.»

پیام به اولین دوره مجلس خبرگان رهبری ۶۲/۴/۲۳
صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۴۲

ایشان در آخرین رهنمودهای خود در وصیت نامه سیاسی - الهی شان به اқشار گوناگون، حل مهمات و مشکلات را در گرو تعیین شایسته ترین و متعهدترین شخصیت ها برای رهبری دانسته اند:

«اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می شوند، از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد، به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته ترین و متعهدترین شخصیت ها برای

رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر به اصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی، وظیفه سنگین ملت در تعیین خبرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن که در سطح بالایی از اهمیت است، برای آنان تکلیف الهی ایجاد می کند.»

صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۱۸۸

رهبر نیکاندیش انقلاب نیز در دیدارهای خود با اعضای این مجلس در تبیین فلسفه این اهمیت فرموده اند:
«از آن جا که شرف هر چیزی به شرف موضوع آن است، باید عرض کنیم که موضوع مجلس خبرگان، اشرف موضوعات

مجامع و سازمان ها و تشکیلات جمهوری اسلامی ایران است. زیرا موضوع آن، رهبری است. بنده اگر چه به خاطر مخلوط شدن دو حیثیت شخصی و عنوان رهبری با یکدیگر، دچار محذورم که راجع به رهبری حرف بزنم، ولیکن لازم می دانم از آن جنبه شخصی قضیه و این که مصداق این امر عظیم، تصادفاً شخص حقیری مثل بنده واقع شده است، از این صرف نظر کنم و به خلاف آنچه که تعارفات و مبادلات جاری اقتضا می کند، راجع به عظمت و اهمیت رهبری، چند جمله ای عرض کنم.»

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۲/۱۰/۸

هماهنگ با دیدگاه حضرت امام خمینی، آیت الله خامنه ای اهمیت نقش و جایگاه این نهاد را فراتر از همه ارکان اجرایی و تقنینی نظام دانسته اند:

«اجتماع خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی، تعیین کننده ترین و مهمترین رکن از ارکان این نظام است. هیچ کدام از ارکان نظام جمهوری اسلامی - چه آنچه به تقنین و چه آنچه به اجرا و غیر آنها ارتباط پیدا می کند - از لحاظ تعیین کننده بودن و آثار ماندگاری باقی گذاشتن، به اهمیت این اجتماع نیست. این معنا موجب می شود که مسئولیت این جمع و احاد تشکیل دهنده آن، عظمت پیدا کند.»

بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۶۹/۴/۲۵

ایشان از فقهای عضو مجلس خبرگان خواسته اند با عنایت به این جایگاه رفیع، هوشیارانه در ایفای نقش خود کوشا باشند:

«این مجلس محترم که مجمع گروهی از علمای بزرگ و مجتهدین و برجستگان در آگاهی و تعهد اسلامی و انقلابی است، حساس ترین وظایف را در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد و ضامن بقا و استمرار نظام اسلامی در خطیرترین لحظات است و طبیعی است که محل امید ملت و همه دوستداران انقلاب و نیز مورد بغض و طمع دشمنان و بدخواهان باشد. این معنی باید موجب شود که منتخبین محترم ملت و قبول کنندگان این امانت عظیم، در نهایت هوشیاری و آمادگی و با اعتماد به وعده های الهی، در این سنگر مقدس به وظیفه مهم خود

پرداخته و کید دشمنان و وسوسه خناسان را باطل سازند.»

پیام به دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۶۹/۱۲/۱

مجلس خبرگان رهبری اگر چه در مسائل جاری کشور نقش آفرینی نمی کند، اما اهمیت تصمیم گیری آن در بزنگاه ها چنان است که مصالح دراز مدت کشور، بیش از همه از انتخاب سرنوشت ساز خبرگان رهبری تأثیر می پذیرد.

امام خمینی: «اجتماع خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی، تعیین کننده ترین و مهمترین رکن از ارکان این نظام است.»

امام خمینی: «موضوع مجلس خبرگان، اشرف موضوعات مجامع و سازمان ها و تشکیلات جمهوری اسلامی ایران است. زیرا موضوع آن، رهبری است.»

برابر آموزه‌های نبوی و سیره علوی، اقتدار حاکمیت دینی متکی به باورهای دینی امت و حمایت مؤثر آنان از حاکم اسلامی است. متأسفانه این اندیشه والا در طی زمان از جامعه اسلامی رخت بریست و مدعیان دروغین خلافت و سلاطین ممالک اسلامی تنها با تکیه بر شمشیر، سیطره خود را بر امت اسلامی برقرار ساختند. با این حال، پادشاهان صفوی به فراست، اهمیت اعتماد مذهبی مردم به حاکمان را دریافتند و از همین رو دست همکاری و استمداد به سوی علما دراز کردند تا با بهره‌گیری از جاذبه معنوی ایشان، پشتیبانی مردم را به دست آورند. این همکاری، دستاوردهای ارزشمندی به ارمغان آورد که از مهمترین آنها می‌توان به وحدت مذهبی کشور ایران و محفوظ ماندن آن از تهاجم بیگانگان اشاره کرد.

متأسفانه نفوذ اندیشه غربی در میان کارگزاران حکومت قاجاریه به تقابل حاکمیت و روحانیت انجامید، که در این کشاکش روشنفکران وابسته توانستند قدرت یابند و روحانیت نیز سرخورده و فرسوده از این



چالش‌ها تا مدت‌ها انگیزه و توانمندی کافی را برای ایفای نقش اجتماعی - سیاسی خود از دست داد.

نهضت امام خمینی علیه السلام بازگشت دوباره به وحدت دین و مردم در عرصه جامعه بود. بارزترین جلوه این اتحاد، در رهبری بی‌بدیل حضرت امام خمینی علیه السلام تبلور یافت، که واجد مقبولیت مطلق مردمی و نیز برخوردار از بالاترین مرتبه دینی در نظام روحانیت شیعه بود. پیوند مبارک مردم و اسلام در عرصه سیاست تا امروز توانسته نظام جمهوری اسلامی را در برابر تهدیدها و فشارهای خارجی و داخلی حفظ کند. از این رو صیانت از این دستاورد ارزشمند، از مهمترین ارکان بقا و ارتقای نظام جمهوری اسلامی است.

مجلس خبرگان از بارزترین نمادهای این وحدت مبارک است. رهبر کبیر انقلاب در آستانه انتخابات اولین دوره مجلس خبرگان، حضور توأمان این دو عنصر را در عرصه سیاسی خواستار شدند و اهمال مردم و روحانیت در این مهم را زیانبار دانستند:

«امروز در ملت ما مطرح است قضیه مجلس خبرگان برای تعیین رهبری. این مسئله‌ای است که نباید ملت ایران برای آن کم ارج قائل باشد. الان یک دسته - از قراری - که شنیدم - دوره افتاده‌اند که این مجلس خبرگان نباید باشد، برای این که تضعیف رهبری است. مجلس خبرگان تقویت رهبری است. گول این حرف‌ها را نخورید. باید همه وارد شوند، این یک تکلیف است. حفظ اسلام یک تکلیف شرعی است برای همه ما. حفظ مملکت توحیدی یک تکلیفی است برای همه

قشرهای ملت و چنانچه همه با هم و در صحنه حاضر نباشند و رأی به مجلس خبرگان ندهند... برخلاف تکلیف عمل کرده‌اند. باید همه در صحنه باشند و همه وارد باشند.

و من به قشر روحانیت هم عرض می‌کنم که کناره‌گیری موجب این می‌شود که همانطوری که در زمان سابق از [این] کناره‌گیری علمای مذاهب، اسباب این شد که ملت ما و بزرگان‌شان جدا شدند و همکاری خواستند دولت‌ها کردند و دولت‌ها

را به حال خودشان گذاشتند و هر طور سرکشی خواستند کردند، چنانچه شما از صحنه بیرون بروید و علما، دانشمندان از صحنه بیرون بروند، این اسباب این می‌شود که باز آن مسائل سابق پیش بیاید.

... در هر صورت چنانچه ما همه‌مان در صحنه نباشیم و همه به فکر این نباشیم که این کشور را از شر مفسدان نجات بدهیم، اگر به فکر نباشیم - خدای نخواست - اگر در وضع حاضر هم خیلی تأثیر نکند، در وضع آینده ملت باز تأثیر می‌کند و - خدای نخواست - دوباره ملت ما را گرفتار آن طور اشخاص می‌کند که بر صغیر و کبیر ما رحم نکنند.»

بیانات در آستانه انتخابات اولین دوره مجلس

خبرگان رهبری

صحیفه نور، جلد ۱۷، صص ۱۰۲-۱۰۱

بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب، «مردم‌سالاری دینی» که حاصل این پیوند با برکت است، در مجلس خبرگان رهبری در بالاترین سطح نمودار می‌شود:

«مهم این است که خبرگان، در امری که اهم امور در نظام سیاسی کشور ماست، معتمد و امین مردمند. در واقع مجلس خبرگان مظهر مردم‌سالاری دینی است. از یک طرف، حضور و انعقاد این مجلس به مردم متکی است؛ از طرف دیگر، اعضای این مجلس کسانی هستند که با معیارهای اسلامی در باب نظام سیاسی اسلام و مسئله حکومت آشنا هستند و از این معیارها تخطی نمی‌کنند. این نموداری است از همان چیزی که ما اسم آن را «مردم‌سالاری دینی» می‌گذاریم.

خطای بزرگی است اگر ما امروز

مردم‌سالاری با این فلسفه عمیق و اعتنای به حق مردم را با آنچه که در غرب وجود دارد، مخلوط کنیم و بیامیزیم و اشتباه کنیم. مردم‌سالاری حقیقی این است و شارع مقدس بر طبق موازین فقهی‌ای که در دست ماست، در دوران غیبت امام معصوم علیه السلام این وظیفه یا تکلیف یا حق حکومت و حاکمیت را با صلاحیت‌هایی مقرون کرده است. بدون این صلاحیت‌ها، این حق و این اجازه وجود ندارد؛ چون اصل، عدم تسلط انسانی بر انسان دیگر است.

پیوند مبارک مردم و اسلام در عرصه سیاست تا امروز توانسته نظام جمهوری اسلامی را در برابر تهدیدها و فشارهای خارجی و داخلی حفظ کند. از این رو صیانت از این دستاورد ارزشمند، از مهمترین ارکان بقا و ارتقای نظام جمهوری اسلامی است.

اصل تز «ولایت فقیه» که آن را از روایت و قرآن، استنباط و به کلمات فقها استناد می‌کنیم، معنایش این است که این موضوع در شرع، تشبیه و بیان شده است و یک حکم شرعی است.

آن جایی که انسانی می‌خواهد در امور انسان‌های دیگر تصرف کند، این صلاحیت‌ها حتماً باید وجود داشته باشند. تشخیص این صلاحیت‌ها هم طبق یک رویه عقلایی مورد اعتماد، بر عهده کسانی است که توانایی این کار را دارند؛ و در نظام جمهوری اسلامی، مردم از این طریق، انتخاب و بیعت خود را اعلام می‌کنند. حضور و انتخاب مردم به وسیله انسان‌هایی که این صلاحیت‌ها را می‌شناسند و توانایی آن را دارند که این را در کسی تشخیص دهند و وظیفه دارند که این را نظارت کنند و وجود و بقای آن را کنترل کنند و بفهمند که چه می‌گذرد؛ این بالاترین وظیفه‌ای است که وجود دارد. بنابراین مجلس خبرگان، یک مجلس بسیار حساس و مهم است.»

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۲۳

از نظر ایشان اهمیت نقش مردم چنان است که اگر رهبر منتخب خبرگان مورد قبول توده مردم نباشد، جایگاه رهبری برای آن شخص تثبیت نمی‌شود:

«در انتخاب دستگاه اجرایی و رئیس قوه مجریه، مردم خودشان دخالت می‌کنند. حتی در انتخاب رهبر - با این که رهبری یک منصب الهی است و تابع ملاک‌های الهی و معنوی و واقعی است - باز مردم نقش دارند؛ کم‌این که مشاهده کردید مجلس خبرگان که نمایندگان مردمند، می‌نشینند کسی را معین و انتخاب می‌کنند. اگر همان کسی که مجلس خبرگان انتخاب کرد، مورد قبول مردم نباشد، باز رهبری او جا نخواهد افتاد. پس، آحاد و عامه مردم، علاوه بر این که به صورت غیرمستقیم - از طریق مجلس خبرگان - رهبر را معین می‌کنند، مستقیماً هم نسبت به شخص رهبر نظر و تصمیم دارند و نظر و تصمیم و خواست و اراده آنهاست که در حقیقت یک رهبر را رهبر می‌کند و به او امکان تصرف و قدرت امر و نهی و قبض و بسط می‌دهد. البته، نحوه انتخاب امام علیه السلام به این شکلی که مطرح کردم، نبود. در حقیقت، عشق مردم به امام علیه السلام و اطاعت و تبعیت از ایشان، بیش از انتخاب آنها بود.»

خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰

این معنی در بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام نیز مشهود است. ایشان از همان آغاز در سخنرانی بهشت زهرا و نیز حکم انتصاب

مهندس بازرگان به نخست وزیری، مقبولیت مردمی را یکی از ارکان نافذ بودن حکم خود در عمل برشمرده‌اند:

«ما دولت را تعیین کردیم، به حسب آن که هم به حسب

قانون ما حق داریم و هم به حسب

شرع حق داریم. ما به حسب ولایت

شرعی که داریم و به حسب آراء

ملت که ما را قبول کرده است، آقای

مهندس بازرگان را مأمور کردیم که

دولت تشکیل بدهد؛ دولت موقت.»

صحیفه نور، ج ۶، ص ۶۸

مهم این است که خبرگان، در امری که اهم امور در نظام سیاسی کشور ماست، معتمد و امین مردمند. در واقع مجلس خبرگان مظهر مردم‌سالاری دینی است.

نقش مردم در یافتن مصداق ولی فقیه به واسطه خبرگان و جایگاه

پذیرش و مقبولیت مردمی در تنجز

حکم الهی و فراهم کردن امکان اجرای آن، در بیانات رهبر

گران‌قدر انقلاب به خوبی تبیین شده است. ایشان در دیدار

بسا خبرگان رهبری، پس از تبیین مراحل تعیین حاکم اسلامی،

نقش اصلی مردم را در مرحله قبول و پذیرش و تسلیم و تبعیت

دانسته‌اند:

«آن چیزی که در ذهن من است، این است که این قضیه

حکومت در اسلام و تعیین حاکم، در سه مرحله تصور می‌شود.

باید ببینیم آیا مردم در کدام یک از این سه مرحله، نقش دارند و

می‌توانند باشند؛ از آنها چه توقعی است؟

یکی در مرحله جعل معیارهای حاکم است. ببینیم آیا مردم

در این زمینه - طبق نظر اسلام و مبانی اسلامی و فقهی ما -

نقشی دارند یا نه. این جا جواب این قضیه داده شده است. اصل

تقریباً «ولایت فقیه» که آن را از روایت و قرآن، استنباط و به کلمات

فقهی استناد می‌کنیم، معنایش این است که این موضوع در شرع،

تثبیت و بیان شده است و یک حکم شرعی است. شارع مقدس،

معیارها را بیان کرده است.

بنابراین مردم که عبارتند از مکلفین اسلامی - و فرض قضیه

این است که حکومت، مال آنهاست - برخوردارشان با این مرحله،

مثل برخوردارشان با همه احکام دیگر شرعی است. شارع مقدس،

این قضیه را تبیین و معیارها را معین کرده است. این جا مردم،

نقش مؤمن و معتقد و عامل به این حکم و معرفت شرعی را

دارند. این، مرحله تعیین معیارها برای حاکم است - باید عالم،

فقیه و عادل باشد - که ما اینها را از شرع می‌گیریم.

یک مرحله، مرحله تطبیق این عناوین با یک معنوی خارجی

و تعیین مصداق برای این مفاهیم است. در این مرحله نمی‌شود گفت که مردم نقش ندارند؛ یعنی هیچ دلیلی برای این که ما بگوییم مردم در این زمینه نقشی ندارند، وجود ندارد. منتها از آنجایی که شناخت این «عناوین» و «معنوں به این عناوین»، احتیاج به مقدمات دارد، هر کس که بدون این مقدمات وارد این مرحله شود، جز ضلالت و خطای خود و دیگران، تأثیری نخواهد داشت. بنابراین، این جا مسئله خبرگان مطرح می‌شود. قانون اساسی تکلیف این مرحله را معین کرد. مردم، خبرگانی را برای این کار معین می‌کنند که وظیفه خبرگان، تعیین مصداق این مفاهیم است.

البته خود تعیین مصداق هم داستان‌ها دارد. ممکن است یک وقت مصداق، متعدّد باشد؛ در بین آنها باید کسی را اختیار کرد. این هم خودش موازین و معیارهایی دارد. طبعاً باید خبره، وارد این قضیه شود. بنابراین مردم

در این مرحله - یعنی مرحله دوم که تطبیق مفهوم با مصداق و تعیین معنوں به این عناوین است - نقش دارند؛ منتها نقش باواسطه. مردم به کسی مراجعه می‌کنند که در این قضیه، صاحب تشخیص و امین است و او این کار را می‌کند، والا اگر بنا باشد که این کار را از دست خبرگان خارج کنند و مسئله، به گونه‌ای شود که آن را بشود با غوغا درست کرد؛ همه چیز به هم خواهد ریخت و آن معیارها به کلی نابود خواهد شد!

مرحله سوم، مرحله قبول و پذیرش مردم، و تسلیم و تبعیت مردم است. آنجایی است که نقش مردم، نقش تعیین‌کننده است. حالا فرض کنیم کسی متعین شده است؛ ولی مردم نمی‌خواهند به تکلیف خودشان عمل کنند. طبیعی است این کس، قادر به انجام وظیفه نخواهد بود. این جاست که عملاً نقش مردم - نه از باب یک حکم شرعی - از باب یک واقعیت خارجی که مصلحت‌هایی را برای ما ایجاب و مطرح می‌کند، نقش تعیین‌کننده است؛ بالاخره ولی فقیه که از امام معصوم بالاتر نیست! امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام می‌فرماید: «لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر لاقیت حبلها علی غاربها» بنابراین باید وجود «ناصر» باشد؛ بایستی افراد بیابند و بخواهند. وقتی خواستند، اگر تکلیفی برعهده آن حاکم و مصداق آن مفاهیم خارجی است، منجز خواهد شد، مجبور است که عمل کند، والا آن تکلیف - اگر بر او تکلیفی باشد - تکلیف منجزی نخواهد بود. این جاست که نقش مردم، نقش مهمی است.»

بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵

از این رو از اعضای مجلس خبرگان و دیگر علاقه‌مندان به نظام اسلامی خواسته‌اند برای تحقق و تثبیت این مقبولیت مردمی تلاش کنند، تا مردم مؤمن و دین‌باور با ایمان قلبی خود

از نظام اسلامی حمایت کرده، به تبعیت و اطاعت از ته قلب کشانده شوند:

«هر کسی که دغدغه مردم را دارد، باید برای این بخش بیندیشد و کاری کند که مردم، به ایمان و تبعیت و اطاعت از ته قلب، کشانده شوند. این کار برای مردمی مثل مردم ما - مردم مؤمن، دین‌باور و معتقد به مبانی - که برای فداکاری در این راه حاضرند، کار مشکلی نیست. اگر کسی واقعاً می‌خواهد که نقش مردم، نقش عینی، عملی و حساس، و مسئله ولایت فقیه، یک مسئله حقیقتاً مردمی باشد و حکومت الهی با جنبه مردمی توأم شود، باید در این قسمت سوم کار کند.

باید جاذبه‌ها را - چیزهایی که مردم را به شوق می‌آورد - برای مردم بیان کنیم؛ همچنان که مردم را برای حج، تشویق و ترغیب می‌کنیم. احکام و فلسفه حج

را می‌گوییم و خیلی از غیر معتقدین به حج را وادار به حج رفتن و معتقد به حج می‌کنیم. در مسئله نماز، در مسئله زکات و خمس - در همه جهات - برای مردم تشریح و تبیین می‌کنیم که مردم وادار می‌شوند و به جهاد می‌روند و در راه خدا بذل نفس می‌کنند.

خوب؛ اگر می‌خواهند مردم در قضیه ولایت فقیه هم نقش داشته باشند، بسم‌الله؛ این جا جای نقش مردم است. در این میدان، وارد شوند و زیبایی‌های این مسئله را از نظر عقل و منطق بشری، برای مردم تبیین نمایند و مردم را در صحنه حاضر کنند تا این که حقیقتاً متکی به مردم باشد و با مردم، همان حضورالحاضر و وجودالناصر، تحقق پیدا کند؛ تا بشود «انقلاب اسلامی» که پیروز شد؛ تا بشود جنگ تحمیلی که پیروز شد؛ تا بشود این نوزده سالی که گذراندیم و بحمدالله در همه مراحل موفق بودیم.

بنابراین، بنده این فرمایش جناب آقای امینی را تأیید می‌کنم که فرمودند «ما بایستی طوری حرکت و مشی کنیم که این توهم پیش نیاید که حکومت و نظام ولایت فقیه، به معنای یک امر غیر مردمی است.» بله؛ این کاملاً درست است؛ واقعاً غیر مردمی نیست، کاملاً مردمی است. معنای مردمی بودن همین است.»

بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵

ما بایستی طوری حرکت و مشی کنیم که این توهم پیش نیاید که حکومت و نظام ولایت فقیه، به معنای یک امر غیر مردمی است.